

## تبیین بعد اقتصادی عدالت اجتماعی بیانیه گام دوم با آموزه های نهج البلاغه

علی نامداری<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> طلبه پایه ششم حوزه ی علمیه ی امام صادق (علیه السلام) اردکان (نویسنده مسئول)

### چکیده

یکی از مسائل مهم و حائز اهمیت بشر مسأله اقتصاد است. باتوجه به آموزه های قرآن و روایات به ویژه نهج البلاغه عدالت در اقتصاد نقش اساسی دارد. یکی از اهداف انقلاب جمهوری اسلامی ایران تحقق عدالت اجتماعی در همه ابعاد آن از جمله بعد سیاسی، حقوقی و به ویژه بعد اقتصادی می باشد. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که نقشه راه انقلاب اسلامی به حساب می آید و تمسک به آن می تواند چراغ راه آینده کشور باشد، به اهمیت و جایگاه عدالت اقتصادی، عوامل پیشرفت اقتصاد و موانع آن اشاره می کنند، از آنجا که نظام جمهوری اسلامی در ایران برگرفته از آموزه های اهل بیت (علیهم السلام) است اقتضا می کند که مسائل مطرح شده در بیانیه گام دوم با معارف اهل بیت علیهم السلام تطبیق داده شود. در این مقاله به تبیین بعد اقتصادی عدالت اجتماعی بیانیه گام دوم انقلاب با آموزه های نهج البلاغه پرداخته شده است.

**واژه های کلیدی:** اقتصاد، بیانیه گام دوم، نهج البلاغه، عوامل، موانع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

برقراری عدالت اجتماعی نقش اساسی در پیشبرد اهداف اقتصادی یک جامعه دارد، اهمیت عدالت به حدی است که خداوند متعال آن را به عنوان یکی از اصلی ترین اهداف رسالت انبیاء دانسته و می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند..

باتوجه به تأکید مقام معظم رهبری درسرخنان متعدد ایشان به خصوص در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به مسأله عدالت اجتماعی و اقتصاد که یکی از ابعاد عدالت اجتماعی است به اهمیت این مسأله پی می بریم.

امیرالمومنین علیه السلام یک نمونه از رهبرانی است که توانسته عدالت اجتماعی را در همه ابعاد آن در جامعه اجرا کند، با تمسک به سخنان ارزشمند و سیره رهبری امام علیه السلام در نهج البلاغه می توان برای حل بسیاری از معضلات چاره جویی کرد.

درباره بُعد اقتصادی عدالت اجتماعی بیانیه گام دوم انقلاب با آموزه های نهج البلاغه تحقیقی صورت نگرفته و جای بحث فراوان دارد. در این تحقیق سعی شده است به این سؤالات پاسخ داده شود:

۱. عدالت اقتصادی در کلام رهبری و امام علی علیه السلام در نهج البلاغه از چه جایگاهی برخوردار است؟

۲. عوامل پیشرفت اقتصاد اسلامی از منظر رهبری و امیرالمومنین علیه السلام چیست؟

۳. موانع پیشرفت عدالت اقتصادی چیست؟

بنابراین، در این تحقیق بعد از مفهوم شناسی و تعریف عدالت و عدالت اقتصادی در نهج البلاغه، به جایگاه و اهمیت عدالت اقتصادی در بیانیه گام دوم و نهج البلاغه اشاره شده است. در ادامه، درباره عوامل پیشرفت اقتصاد اسلامی از منظر رهبری در بیانیه گام دوم و امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه بحث شده و در نهایت، موانع پیشرفت اقتصاد مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است.

## کلیات

## الف: عدالت در لغت

در لغت، معانی متعددی برای واژه «عدل» و «عدالت» ذکر شده که به برخی از آنها اشاره می شود

عدل به معنای مساوات، برابری و تساوی بین دو چیز (راغب اصفهانی، ۱۳۸۴ ه ش، ص ۵۵۱) و دادگری، نهادن هر چیز بجای خود، حد متوسط میان افراط و تفریط در هریک از قوی، انصاف، عدالت (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۰۵۳) و دادگری کردن، ضد ظلم و جور (عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۶۳) آمده است.

و همچنین عدالت به معنای دادگر بودن، انصاف داشتن، عادل بودن (عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۶۲) می باشد.

### ب: مفهوم عدالت اقتصادی در نهج البلاغه

از منظر امیر المومنین علیه السلام در نهج البلاغه عدالت اقتصادی دارای معانی است که عبارت اند از:

۱. قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش:

یکی از معانی عدالت در نهج البلاغه قرار گرفتن هر چیز در محل مناسب خودش است در حکمت ۴۳۷ نهج البلاغه آمده است امام علیه السلام در مورد عدالت فرمودند *الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا* عدالت هر چیزی را در جایگاه خودش قرار می دهد مثلاً اگر کسی رئیس اداره یا رئیس حکومت است شایستگی های افراد را در نظر می گیرد و هر کدام را در محل لایق خود قرار می دهد و اگر می خواهد اموال بیت المال و ذکات را تقسیم کند نیاز های افراد و گروه ها را در نظر می گیرد و به هر کدام اندازه نیازش می پردازد و در کلامی دیگر در نهج البلاغه حضرت در مورد عاقل می فرماید: *هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ*. عاقل کسی است که هر چیزی را در جای مناسبش قرار دهد. (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۵) از کلام امیر المومنین علیه السلام می توان به این رابطه پی برد که هر عاقلی عادل است و هر عادلی باید عاقل باشد. در عهد نامه مالک اشتر نیز حضرت فرمودند: «فَضَعَ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْقَعَ كُلَّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ» هر چیزی را در جایگاه خود قرار ده و هر امری را در محل مناسب آن و این هم امر به عدالت است و هم رعایت عقل و تدبیر. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

پس در امور اقتصادی زمانی که هر چیزی در محل مناسب خود قرار گیرد، عدالت اقتصادی محقق شده است.

### ۲. مساوات

دومین معنای عدالت در نهج البلاغه مساوات و برابری است. امام (علیه السلام) در نامه ای به محمد بن ابی بکر دستوره عدالت در همه زمینه ها حتی در جزئیات می دهد و عدم مساوات را عامل بی عدالتی می دانند.

ایشان در این راستا می فرمایند: مساوات را در میان آن ها حتی در نگاه ها و مشاهده با گوشه چشم رعایت نما، تا بزرگان و زورمندان کشور در نقض عدالت به نفع آن ها طمع نورزند و ضعفا از عدالت تو مأیوس نشوند.

(همان، نامه ۲۷)

خلاصه کلام اینکه وقتی مساوات و برابری در همه امور جامعه رعایت شود، عدالت اجتماعی هم محقق شده است و به تبع آن عدالت اقتصادی نیز در جامعه جریان پیدا کرده است. بنابراین می توان عدالت اقتصادی را به معنای مساوات و برابری دانست.

۳. انصاف:

یکی دیگر از معانی عدل که امام علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰) به آن اشاره کرده اند انصاف است. «امام علی علیه السلام می فرمایند عدالت همان رعایت انصاف است.» زیرا رعایت انصاف آن است که حق کسی را به او بپردازند (به نظر می رسد که این واژه از ماده «نصف» گرفته شده زیرا انسان هرگاه در حقوق مشترک آن را تصنیف کند رعایت عدالت را به طور کامل کرده است). (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۷۶۴)

در نتیجه هرگاه در جامعه، حق هر کسی را به او بپردازند و انصاف نسبت به همه رعایت شود، عدالت اقتصادی جریان پیدا می کند و می توان عدالت اقتصادی را به معنای انصاف به کاربرد.

### جایگاه عدالت اقتصادی در کلام رهبری و امام علی علیه السلام در نهج البلاغه

#### الف: عدالت اقتصادی در کلام رهبری با محوریت (بیانیه گام دوم)

مقام معظم رهبری در رابطه با اهمیت عدالت اقتصادی در بیانیه گام دوم عدالت را کلمه ای مقدس در همه زمان ها و سرزمین ها و همچنین یکی از اهداف اولیه بعثت های الهی مطرح کرده اند ایشان در مورد مبارزه با فساد و برقراری عدالت در جامعه فرموده اند که: فساد اقتصادی توده چرکین کشورها و نظامها است و اگر در بدنه حکومت ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه زنده به مشروعیت آن ها است و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت های مرسوم و مبنایی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی تر و بنیانی تر از دیگر نظامها است. در ذیل، با شمه ای از دیدگاه های رهبری درباره جایگاه و اهمیت عدالت اجتماعی آشنا می شویم.

#### ۱. عدالت اقتصادی در مشروعیت حکومت جمهوری اسلامی

یکی از نکات مهم در بیانیه گام دوم که می توان با توجه به آن به اهمیت و جایگاه عدالت اقتصادی در مشروعیت حکومت جمهوری اسلامی پی برد، مشروط کردن مشروعیت همه مقامات جمهوری اسلامی به طهارت اقتصادی است.

ایشان در بیانیه گام دوم می فرمایند:

همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است.

#### ۲. عدالت مهم ترین هدف بعثت های الهی

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم عدالت (به معنای عام که شامل عدالت اقتصادی می شود) را در صدر هدف های اولیه همه ی بعثت های الهی دانسته و جایگاه عدالت را در جمهوری اسلامی همان جایگاه و شأن عدالت در بعثت های الهی به شمار آورده است.

ایشان در بیانیه گام دوم می فرمایند:

عدالت در صدر هدف های اولیه ی همه بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است.

در ادامه معظم له دایره و محدوده جایگاه عدالت را فراتر و گسترده تر از موارد مذکور می داند، و به اهمیت عدالت در همه زمان ها و مکان ها اشاره می کنند.

ایشان در این زمینه می فرمایند:

[عدالت] کلمه ای مقدس در همه ی زمان ها و سرزمین ها است.

۳. برقراری عدالت وظیفه حاکمان

رهبر انقلاب بر قراری عدالت در جامعه را همه جا و در همه ی زمان ها فریضه ای بر عهده ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان دانسته است و پیشگیری و مبارزه با فساد را یکی از وظایف حسّاس و مهم دستگاه های نظارتی و دولتی در جمهوری اسلامی مطرح کرده اند، البته باید توجه داشت که برقراری عدالت به صورت کامل جز در زمان ظهور و حکومت امام علیه السلام امکان پذیر نخواهد بود، ولی به صورت نسبی همانطور که گفته شده بر همه بویژه حاکمان واجب است. دوران حکومت امام علی علیه السلام گواه این مدعاست که وسوسه مال و مقام و ریاست افرادی را از راه مسقیم منحرف کرد.

ایشان در این رابطه می فرمایند:

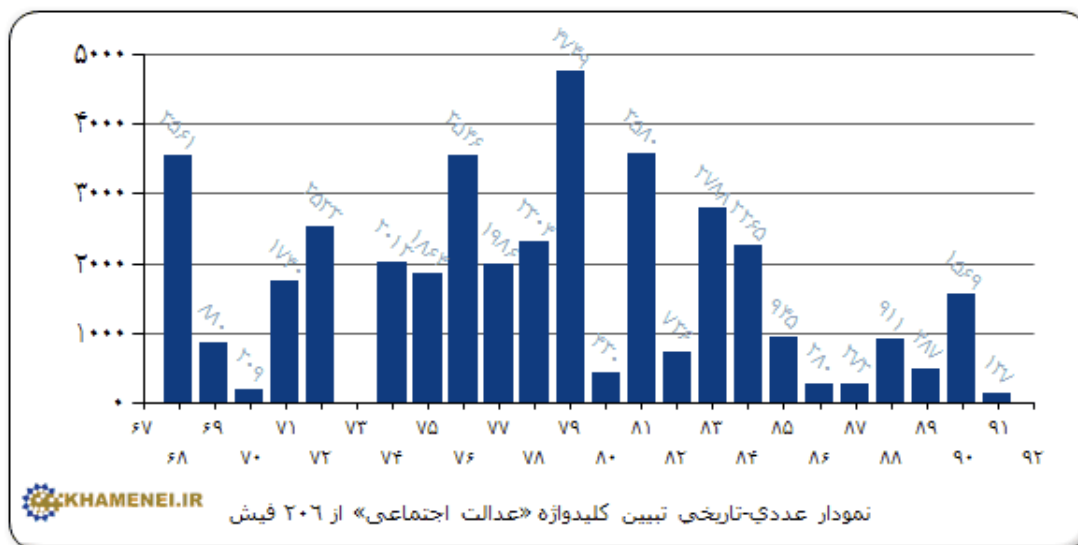
[عدالت] به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن فریضه ای بر عهده ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است.

دستگاه های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند.

### بررسی و نقد دیدگاه اقتصاد مکتب لیبرالیسم

در رابطه با وظیفه حاکمان در برقراری عدالت خوب است با دو دیدگاه لیبرالیسم و دیدگاه رهبر معظم انقلاب به صورت اجمالی آشنا شویم.

جریان عمده و اصلی در درون سنت لیبرالیسم مخالف هرگونه مدلی از عدالت توزیعی (distributive justice) است و معتقد است که عدالت اجتماعی در قالب حمایت از اقشار آسیب پذیر و جبران نتایج منفی بازار آزاد برای افراد فقیر و ضعیف و شکست خورده در رقابت اقتصادی هیچ مبنا و وجهی ندارد. عمده ی استدلال آنان این است که به عده ای که در بازار آزاد به ثروت و موفقیت نمی رسند و با فقر و ناکامی اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند، ظلم و بی عدالتی واقع نشده است زیرا ظلم و بی عدالتی در جایی است که فرد یا گروهی بر اساس تصمیم و نقشه قبلی به طور عامدانه موجبات فقر و ناتوانی و شکست کسی را فراهم آورده باشند اما در بازار آزاد سرمایه نظیر یک مسابقه ورزشی در جریان رقابت عده ای به موفقیت و پیروزی می رسند و عده ای شکست می خورند و مسئولیت این عدم موفقیت و شکست بر عهده ی کسی جز خود آنان نیست. بنابراین نه دولت و نه پیروشدگان در قبال جبران ضعف و شکست آنان مسئولیتی ندارند و عدالت، وظیفه ای را در حمایت و جبران نقص آنان متوجه دولت نمی نماید.



آیت‌الله خامنه‌ای با اتکای به روایات فراوان موجود در منابع اسلامی، در تقابل کامل با دیدگاه فوق‌تر قرار دارند و به دنبال دفاع از محرومان و مستضعفان می‌باشند و فقرزدایی و تسکین آلام طبقات ضعیف جامعه را از وظایف مهم دولت اسلامی می‌دانند. ایشان در این‌باره خطاب به مسئولین دولتی می‌گویند:

در برنامه‌ریزی‌ها مسأله‌ی برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه اول قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع است. البته همه‌ی مفهوم عدالت این نیست که ما فقر و محرومیت را برطرف کنیم، گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن است. اساساً فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها، از نظر آیت‌الله خامنه‌ای از مقدمات اصلی عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام است. ایشان می‌گویند: به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این جور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه‌ی جغرافیایی دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد. این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید. (احمد واعظی، ۱۳۹۰)

### ب: عدالت اقتصادی از منظر امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه

حال به اهمیت و جایگاه عدالت از منظر امیر المومنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌پردازیم. روشن است وقتی آن حضرت درباره عدالت به معنای کلی آن سخن می‌گوید، شامل عدالت اقتصادی نیز هست.

عدالت اقتصادی از جایگاه والایی نزد امیر المومنین علیه السلام برخوردار است که فرموده اند برترین چیزی که موجب روشنی چشم زمامداران حقیقی و راستین می‌شود برقراری عدالت در کشور است (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

و همچنین امام علیه السلام در پاسخ اینکه عدل بهتر است یا جود وجوه بهتر بودن عدالت را اینگونه بیان فرموده اند که: عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف‌تر و برتر است. (همان، حکمت ۴۳۷)

### ۱. عدالت ویژگی حاکمان عدل

امام علی علیه السلام در خطبه ای در نهج البلاغه به ویژگی ها و خصوصیات حاکمان عدل پرداخته است و شش صفت مهم را برای آنها بیان کرده اند که عدالت در تقسیم بیت المال و ستمکار نبودن را از آن خصوصیات شش گانه به شمار آورده اند.

نکته قابل توجه ای که در این خطبه وجود دارد که، امام علیه السلام با آوردن جمله «وَقَدْ عَلِمْتُمْ» (شما می دانید) به آن اشاره کرده اند که التزام به این صفات را یک امر عقلی ظاهری و واضح، می شمرد که هرکسی از آن آگاه است و یا حداقل باید از آن آگاه باشد.

ایشان می فرمایند:

ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد، که با ستم حق مردم را غصب و عطاهای آنان را قطع کند، و نه کسی که در تقسیم بیت المال عدالت ندارد زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد (همان، خطبه ۱۳۱)

### ۲. عدالت ملاک ارزش یک حکومت

امام علی علیه السلام قبل از ایراد خطبه ای در نهج البلاغه جمله های تاریخی و فراموش نشدنی به ابن عباس درباره ملاک ارزش یک حکومت بیان کرده اند، امام علیه السلام در این سخنان ارزشمند حکومت را بی ارزش دانسته و آن را حتی از یک کفش کهنه نیز کم اهمیت تر تلقی نموده است؛ اما حکومت زمانی ارزش و اهمیت پیدا می کند که وسیله و ابزاری برای اجرای عدالت (اقتصادی) قرار گیرد. در این صورت، ارزش آن به حدی می رسد که ریختن خون در راه آن حلال و بلکه اجر و پاداش عظیم اخروی خواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «به خدا سوگند، همین کفش بی ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب تر است، مگر اینکه حقی با آن به پا دارم و یا باطلی را دفع نمایم» (نهج البلاغه، خطبه ۳۳)

بنابراین طبق فرمایشات امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه حکومت تا زمانی ارزش دارد که هدف از تشکیل آن برقراری عدالت در جامعه باشد و در غیر این صورتی ارزشی ندارد و از یک کفش کهنه نیز کم اهمیت تر است.

### ۳. عدم تبعیض، یکی از بایسته های عدالت اقتصادی

از جمله بارزترین خصوصیات در سیمای حکومتی امام علی علیه السلام برابری همگان در برابر قانون و لزوم استفاده و بهره مندی متساوی همگان از سرمایه های ملی است. در نظام حکومتی عدل علوی هیچ یک از قشر های مردم حق ندارند که برای خود امتیاز ویژه ای قابل شوند. شیوه و روش امام علیه السلام همه را متعجب کرد، این امر حتی برای یاران امام که خیر خواه او بودند قابل قبول نبود و حتی از سر خیر خواهی پیشنهادهای به امام علی علیه السلام می کردند. گواه این مسأله خطبه ۱۲۶

نهج البلاغه است که یاران امام به ایشان گفتند که مردم به دنیا دل بسته‌اند، معاویه با هدایا و پول‌های فراوان آنها را جذب می‌کند شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند.

امام علیه در جواب یاران و نزدیکان خود می‌فرمایند: آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم در باره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند، تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است، و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست! (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶)

یکی دیگر از مصادیق عدل امام علی علیه السلام داستان حدیقه محابه است. امام علیه السلام می‌فرماید: «به خدا سوگند، برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهیدست شده و از من درخواست داشت تا یک من از گندم های بیت المال را به او ببخشم. کودکانش را دیدم که از گرسنگی موهایشان ژولیده، و رنگشان تیره شده، گویا با نیل رنگ شده بودند. پی در پی مرا دیدار و درخواست خود را تکرار می‌کرد. چون به گفته های او گوش دادم، پنداشت که دین خود را به او واگذار می‌کنم، و با رفتار دلخواه او، از راه و رسم عادلانه خود دست برمی‌دارم. روزی آهنی را در آتش گذاخته به جسمش نزدیک کردم تا او را بیازمایم، پس چونان بیمار از درد فریاد زد و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم: ای عقیل، گریه کنندگان بر تو بگریند! از حرارت آهنی می‌نالی که انسانی به بازیچه آن را گرم ساخته است، اما مرا به آتش دوزخی می‌خوانی که خدای جبارش با خشم خود آن را گذاخته است؟ تو از حرارت ناچیز می‌نالی و من از حرارت آتش الهی ننالم؟» (همان، خ ۲۲۴)

بنابراین سیره حکومتی ایشان نشان می‌دهد که در اجرای عدالت نباید مسامحه گرو انعطاف پذیر بود، بلکه باید عدالت را به طور صحیح و کامل اجرا نمود.

### عوامل پیشرفت اقتصاد اسلامی از منظر رهبری در بیانیه گام دوم و امیر المومنین علیه السلام در نهج البلاغه

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب به اهمیت و عوامل پیشرفت اقتصاد در جامعه اسلامی پرداخته اند، ایشان اقتصاد را یک نقطه کلیدی تعیین کننده اقتصاد قوی را نقطه قوت کشور به شمار آورده اند و امام علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه به رهنمود های اقتصادی جامعه اسلامی پرداخته است، در ذیل به صورت مختصر به مواردی از آن ها پرداخته شده است.

#### ۱. تاثیر فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر (نبودن فقر)

طبق فرمایشات رهبر معظم انقلاب در نقشه راه انقلاب یکی از عوامل پیشرفت اقتصاد نبودن فقر در جامعه است. این امر به حدی حائز اهمیت است که ایشان فقر و غنا که هر کدام نتیجه اقتصاد ضعیف و قوی است را تاثیر گذار در مادیات و معنویات بشر دانسته اند. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر میگذارد.»

امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه در یکی از کلمات قصار به پسر خود محمد حنفیه ره آورد شوم تهیدستی را متذکر می‌شود و فقر را عامل خلل به معنویات (دین) انسان بیان می‌کند.



ایشان می فرمایند: ای فرزندان! من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص، و عقل را سرگردان، و عامل دشمنی است. (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹)

اینکه چگونه فقر مادی سبب نقصان دین می شود دلیلش روشن است، زیرا انسان تحت فشار فقر ممکن است تن به گناهی بدهد و برای به دست آوردن مال، فکر حلال و حرام آن نباشد و یا تحت عنوان ضرورت و اضطرار بعضی از محرمات را برای خود حلال بشمارد.

این احتمال نیز هست که فقر گاهی سبب تزلزل اعتقاد انسان به خدا می شود، زیرا از یک سو شنیده است که خدا رزاق و روزی رسان است و رزق همه را تضمین کرده و از طرف دیگر خود را در فقر و تنگدستی می بیند و این مایه سوء ظنش به خدا و وعده های الهی می شود، بنابراین هم نقص اعتقادی و هم نقص عملی دامن فقیر را می گیرد به خصوص اگر انسان کم ظرفیت و پایه اعتقادات او سست باشد. اضافه بر این، از نظر اخلاقی نیز گرفتار مشکل می شود، زیرا کینه و حسد و بخل و صفات دیگری از این قبیل دامن فقیر را در بسیاری از اوقات می گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۵۸۷)

بنابراین با توجه به پیامد های سوء فقر به آثار غنا و نبود فقر و همچنین تاثیر آن بر اقتصاد کشور پی می بریم .

## ۲. تولید

یکی دیگر از عوامل پشرفت اقتصاد همانطور که در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره شده است تولید انبوه است. همچنین در اسلام سفارش های فراوانی به کار و تولید شده است، تاجایی که کار به عنوان عبادت مطرح شده است. رهبر معظم انقلاب در رابطه با اهمیت و مزایای تولید می فرمایند:

یک بخش مهم از مسایل اقتصادی بر می گردد به مسأله تولید داخلی، اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسولان، ما بتوانیم مسأله تولید داخلی را، آن چنان که شایسته ی آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده ای از تلاش های دشمن ناکام خواهد ماند. « ۹۱/۱/۱ بیانات در حرم مطهر رضوی علیه السلام » (رستمی، ۱۳۹۴، ص ۲۶۱، ۲۶۰)

امام علی علیه السلام در عرصه امور معیشت و اقتصاد، اندیشه « تلاش مجور » دارد؛ از این رو از نظر آن حضرت علیه السلام کسی می تواند به حق خود برسد که اهل تلاش و کوشش باشد چرا که « لا يُدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ ؛ حق جز با کوشش به دست نیاید. (نهج البلاغه خ ۲۹ خطبه) وقتی کسی اهل کار باشد خود به خود به نتیجه آن که سرمایه است دست می یابد. این کار است که زمینه تولید را فراهم میکند و این تولید است که سرمایه را تضمین می کند.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه در یکی از کلمات قصار برنامه صحیح زندگی مومن در شبانه روز را سه وقت مشخص در نظر می گیرد. « مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت هایی که حلال و مایه زیبایی است.

و در ادامه امام می فرمایند: خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت های حلال. (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰)

در عبارت پایانی امام علیه السلام یکی از نشانه های انسان با ایمان و عاقل را کوشش برای سر وسامان دادن به زندگی که محصول کار و تولید است برشمرد.

همچنین در جای دیگر در نهج البلاغه امام علی علیه السلام به تولید انبوه اشاره کرده اند. ایشان در هنگام وصیت به امام حسن علیه السلام جهت نگه داری اموال با او شرط می کند که دانستن این شرط برای کسانی که می خواهند اندیشه اقتصادی امام علیه السلام را بدانند، بسیار مفید است آن شرط این بود:

«أَنْ يَتْرُكَ الْمَالَ عَلَىٰ أُصُولِهِ وَيُنْفِقَ مِنْ ثَمَرِهِ حَيْثُ أَمَرَ بِهِ وَهُدًى لَهُ، وَأَنْ لَا يَبِيعَ مِنْ أَوْلَادٍ نَخَلَ هَذِهِ الْقَرْيَ وَدَيْهٍ حَتَّىٰ تُشْكَلَ أَرْضُهَا غِرَاسًا» (نهج البلاغه نامه ۲۴)

اصل مال را به حال خود نهد و از میوه آن انفاق کند، چنان که بدو فرمان داده اند و راه نشان داده و این که نهال های تازه خرما بنان این ده ها را نفروشد تا بسیار شود و شناختن آن بر کسی که نخست بارش دیده دشوار.

سید رضی مقصود از عبارت آخر را این گونه بیان می کند: «خرمابن در زمین بسیار شود تا کسی که زمین را ازین پیش دیده، آن را نشناسد و شناخت آن بر وی دشوار گردد و پندار زمین دیگر است.»

چنان که ملاحظه می شود مبنای اقتصادی حضرت علیه السلام برای توزیع که در این نامه با عنوان «انفاق» از آن یاد شده است، تولید و تکثیر سرمایه است، با اعتبار بخشیدن به اصل سرمایه و حفظ آن و تولید انبوه و چشمگیر خرمابن ها؛ این یعنی فکر اقتصادی. (احمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۵، ۱۶۶)

### ۳. توزیع عادلانه

طبق بیانات رهبری در بیانیه گام دوم، از جمله عوامل پیشرفت و تقویت اقتصاد کشور توزیع عدالت محور است.

پیش از پرداختن به هر مسأله ای در این بخش لازم است معنای دقیق توزیع از نظر اقتصادی شناخته شود. واژه توزیع از باب تفعیل است و در معنای لغوی عمدتاً به مال نسبت داده می شود و به معنای قسمت قسمت کردن و حصه حصه نمودن مطلق آن است. از نظر معنای اصطلاحی، در نظام اقتصاد اسلامی، به تقسیم کردن مواهب و منابع طبیعی و خدادادی و تولیدات و نماءات حاصل از آنها گفته می شود. به عبارت دیگر، به تخصیص و تقسیم بندی منابع تولید که «ثروت های اولیه» نامیده می شوند و بهره برداری و تبدیل آنها به کالاها از طریق کار که «ثروت های ثانویه» نامیده می شود، توزیع می گویند. البته به صورتی که هر کدام از آن ها به گونه ای در جایگاه حقیقی خود دیده شوند که مناسب ترین جایگاه بوده و زمینه عدالت اجتماعی را به خوبی فراهم نماید. (عیوضلو، ۱۳۸۸)

در رابطه با حضرت علی علیه السلام می توان راهبرد ها حضرت را در توزیع سرمایه به دو بخش توزیع عمومی ثروت و توزیع ثروت براساس نیاز تقسیم کرد.

اکنون به شرح هر یک از این دو سیاست توزیعی می پردازیم.

الف: توزیع عمومی ثروت

منظور از توزیع عمومی ثروت همانطور که از عنوان عبارت معلوم است، شامل عموم مردم می شود و برای هر یک از افراد جامعه، سهمی از بیت المال در نظر گرفته شده است و مختص افراد خاصی نبوده و همه در این حق شریک اند. ثروت های عمومی مثل غنایم جنگی و فیء مشمول این توزیع اند.

در نامه امام علیه السلام به مَصَلِّه، پسر هبیره شیبانی، اصل توزیع برابر درآمد های عمومی و به طور مشخص غنیمت، کاملاً مشهود است. امام علیه السلام به مَصَلِّه می فرماید: گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده ای، و امام خویش را نا فرمانی کرده ای، خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه ها و اسب هایشان گرد آورده و با ریخته شدن خون هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تواند، و تو را برگزیدند، می بخشی! به خدایی که دانه را شکافت، و پدیده ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است! پس حق پروردگارت را سبک مشمار، و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن، که زیانکارترین انسانی. آگاه باش، حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند در تقسیم بیت المال مساوی است، همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند (نهج البلاغه، نامه ۴۳)

ابن میثم در شرح نهج البلاغه خود در ذیل این نامه به برابر بودن مردم در این حق عمومی اینگونه اشاره می کند:

گفته حضرت که بسوی او می آیند و حق خود را می گیرند و باز می گردند، تاکید می کند، است بر برابر بودن مردم در شایستگی دریافت غنیمت... و هر حقی که بین مسلمانان برابر باشد، جایز نیست بعضی ها را نسبت به آن حق مخصوص گردانید (ابن میثم بحرانی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۹۵)

این نوع توزیع، همان تقسیم عمومی سرانه ثروت است که امروزه در برخی از کشورها در قالب پول نفت و ذخایر معدنی و... به مردم پرداخت می شود.

ب: توزیع ثروت براساس نیاز

این مورد از توزیع، توزیعی است که جنبه عمومی ندارد، و تنها به افراد خاص بر اساس نیاز های ضروری آن ها تعلق می گیرد.

این نیاز ها می توانند افراد متعددی را در برگیرد، افرادی چون کارافتاده، مساکین، یتیم، فقیر، قحطی زده و...

شهید صدر در رابطه با نقش نیاز در توزیع می فرماید:

نقش مشترک کار و نیاز شکل اولی توزیع را در جامعه اسلامی تعیین می کند. مردم در یک جامعه به سه دسته تقسیم می شوند: یک گروه آن هایی که می توانند ضروریات زندگی و نیاز های اساسی خود را برآورند، گروه سوم آن هایی که به خاطر ضعف بدنی یا مریضی روانی نمی توانند کار کنند.

براساس اقتصاد اسلامی گروه اول در توزیع بر کار خود تکیه می کنند گرچه زائد بر نیاز آن ها باشد، در مورد این گروه نیاز، هیچگونه تأثیری ندارد. در مقابل آن ها گروه سوم زندگی خود را از راه توزیع بر حسب نیاز تأمین می کنند، زیرا نمی توانند

کار کنند. گروه دوم در درآمد خود بر کار و نیاز تکیه دارند، کار، زندگی ضروری آنها را تأمین می کند و نیاز آن ها را از درجه عمومی رفاه زندگی برخوردار می کند. (مصباحی، ۱۳۶۱، ص ۱۳۵)

امیرالمومنین علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر با تأکید فراوان، خواهان رسیدگی جدی به طبقه نیازمند جامع است:

خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [و عبارتند] از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

امام علی علیه السلام تا این جا، مصادیق قشر ضعیف جامعه را نام می برد واز والی خود می خواهد به وضع آن ها رسیدگی کند. در ادامه نامه امام علیه السلام نوع رسیدگی را این گونه بیان می کند. «پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی. مبدا سر مستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسئولیت‌های کوچک تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند، و حق آنان را به گونه‌ای پرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند. و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است، اگر چه حق، تمامش سنگین است اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت می‌طلبند، نفس را به شکیبایی وا می‌دارند، و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند. پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

با توجه به توصیه های فراوان حضرت علی علیه السلام به عوامل اجرایی اش در رابطه با رسیدگی به نیازمندان، به عدالت اجتماعی امام علیه السلام در توزیع ثروت بر اساس نیاز افراد پی می‌بریم.

#### ۴. دوری از اسراف

از عواملی که نقش مهمی در پیشرفت اقتصاد جامعه دارد پرهیز از اسراف است. اسراف به معنای تجاوز از حد است؛ به این معنا هر گونه مخارجی که با توجه به موازین عقلی و شرعی و مقتضیات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و فردی از حد و مرز لازم تجاوز کند، اسراف و از گناهان بزرگ و موجب پی آمد های ناگوار است. اسراف جلوی نگه داشت و انباشت و توزیع درست سرمایه را می‌گیرد و در اقتصاد سالم، اخلاص ایجاد می‌کند (احمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰).

خداوند متعال در آیاتی از قرآن از اسراف و تبذیر نهی کرده، مسرفان و ریخت و پاش کنندگان را از اهل آتش و برادران شیطان می‌شمارد. (موسویان، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲)

رهبری در بیانیه گام دوم مصرف به اندازه و بی اسراف را به عنوان یکی دیگر از عوامل پیشرفت اقتصادی بیان کرده اند.

همچنین امام علی علیه السلام در نهج البلاغه در نامه ای به زیاد هنگامی که افرادی به امام خبر داده بودند که زیاد مرتکب خلاف هایی می شود از جمله اینکه سفره رنگین با چند نوع غذا ترتیب می دهد و در برخورد با افراد، متکبرانانه برخورد می کند، او را از اسراف، تکبر و دنیا پرستی بر حذر می دارد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

ای زیاد، از اسراف بپرهیز، و میانه روی را برگزین، از امروز به فکر فردا باش، و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار، و زیادی را برای روز نیازمندی در آخرت پیش فرست. (نهج البلاغه، نامه ۲۱)

### موانع پیشرفت اقتصاد

در رابطه با موانع پیشرفت اقتصاد در بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب فرموده اند: فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظامها. همچنین در بخش دیگری از بیانیه می فرمایند: تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی عدالتی می انجامد به شدت ممنوع است.

بنابراین می توان موانع پیشرفت اقتصاد را در موارد ذیل خلاصه کرد:

فساد اقتصادی؛

تبعیض در توزیع؛

ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی؛

در ذیل به تبیین موارد فوق پرداخته ایم:

#### ۱. فساد اقتصادی

فساد اقتصادی صورت های مختلفی دارد از جمله رشوه، کلاهبرداری، احتکار و... که در ادامه به تعریف این موارد می پردازیم.

الف. رشوه

یک از بلا های بزرگی که از گذشته دامنگیر بشر شده و در عصر حاضر، با شدت بیشتری جریان دارد موضوع رشوه است. این بیماری خطرناک از یکسو بزرگترین مانع اجرای عدالت اقتصادی بشمار رفته، و از سوی دیگر قوانین بشر دوستانه که قاعدتاً باید حافظ منافع طبقات ضعیف باشد، به سود طبقات نیرومند که قانون باید آن ها را محدود کند، به کار می افتد.

محمد جعفر جعفری لنگرودی در تعریف رشوه آورده است: رشوه جزا دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیر رسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد. خواه مستقیماً آن مال را دریافت کند و یا به واسطه شخصی دیگر آن را بگیرد. فرق نمی کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن رشوه گرفته، داشته باشد یا خیر و فرق نمی کند که کاری که برای راشی باید انجام شود، حق او باشد (بر طبق قانون) یا نه. (اسلامپور کریمی، ۱۳۸۷)

گاهی از اوقات زشتی رشوه باعث می شود تا این هدف شوم در لابلای عبارت و عناوین دیگری مانند هدیه، تعارف، حق الزحمه، پول چای و انعام صورت پذیرد ولیکن این عناوین هیچ تغییری در ماهیت آن ایجاد نکرده، پولی که از این طریق به دست می آید حرام و نامشروع می باشد. (محمدی نژاد، ص ۱۲۶، ۱۳۸۶)

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه داستان رشوه دادن اشعث بن قیس را اینگونه بیان می کنند:

شب هنگام کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سر پوشیده پر از حلوا داشت، معجونی در آن ظرف بود چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمی، یا قی کرده آن مخلوط کردند! به او گفتم: هدیه است؟ یا زکات یا صدقه؟ که این دو بر ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حرام است. گفت: نه، نه زکات است نه صدقه، بلکه هدیه است. گفتم: زنان بچه مرده بر تو بگیرند، آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شده یا جن زده شدی؟ یا هذیان می گویی؟

به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد! و همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده ملخ پست تر است! علی را با نعمت های فنا پذیر، و لذت های ناپایدار چه کار؟! به خدا پناه می بریم از خفتن عقل، و زشتی لغزش ها، و از او یاری می جوئیم. (نهج البلاغه، خ ۲۲۴)

### ب. کلاهبرداری

کلاهبرداری نوع دیگری از فساد اقتصادی است که کاری بر پایه فریب است که کسی یا کسانی از آن برای منافع شخصی سوء استفاده می کنند. این نوع از کلاهبرداری هم در بخش های عمومی و هم در بخش های اختصاصی دیده می شود.

کلاهبرداری بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه است و به لحاظ تسلط بر مال غیر با سرقت و خیانت در امانت مشابه است، اما دارای خصوصیات ویژه ای است که آن را از جرایم مذکور جدا می کند. از جمله به کاربردن وسیله متقلبانه، اغفال مالباخته و تسلیم مال از طرف وی به کلاهبردار ویژگی خاص کلاهبرداری است که در سایر جرایم وجود ندارد. به لحاظ اینکه جرم مذکور به روش های مختلف واقع شود، تحولات در تغییر چهره های مختلف کلاهبرداری نقش مؤثر و مستقیم دارد و لازم است در بررسی این جرم به نکات مذکور توجه بیشتری شود تا هم حقوق متهمان حفظ شود وهم کلاهبرداری با اغفال مخاطبین خود اموال آنها را به یغما نبرد (حبیب زاده، ۱۳۷۷)

### ج. احتکار

جامعه شناسان در معنا و مفهوم احتکار تعاریف جامعی ذکر کرده اند که ما به بیان یک مورد از آنها بسنده می کنیم.

امام خمینی(ره) در تعریف احتکار فرموده اند: تردیدی در حرمت احتکار نبوده و حقیقت آن جمع کردن مواد غذایی مورد نیاز مردم به انتظار گران شدن، بطوری که مسلمانان شدیداً به آن نیازمند بوده، فردی هم پیدا نشود تا نیاز آنان را برطرف نماید. (محمّدی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶)

در فقه اسلام بحث مشروعی درباره احتکار آمده و همه فقهای اسلام آن را حرام شمرده اند و روایات بسیاری در این زمینه وارد شده از جمله در حدیثی که در کتب اهل سنت و امامیه وارد شده از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می خوانیم: «المُحْتَكِرُ الْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ؛ محتکر رانده درگاه خداست». در حدیث دیگری از امام امیر المومنین در غرر الحکم آمده است: «المُحْتَكِرُ الْبَخِيلُ جَامِعٌ لِمَنْ لَا يَشْكُرُهُ وَقَادِمٌ عَلَيَّ مَنْ لَا يَعْدِرُهُ؛ محتکر بخیل ثروتی جمع می کند برای وارثانی که هرگز از او راضی نخواهند شد و بر خدایی (در محشر) وارد می شود که او را معذور نخواهند داشت». در حدیثی دیگر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می خوانیم: «يَقُومُ الْمُحْتَكِرُ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ يَا كَافِرُ تَبَوُّأَ مَقْعَدِكَ مِنَ النَّارِ؛ شخص محتکر در روز قیامت در حالی محشور می شود که در پیشانی او نوشته شده است: ای کافر جایگاه خودت را در آتش دوزخ انتخاب کن». (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۵۴)

امام علی علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر یکی از مفسدات اقتصادی و عوامل برهم خوردن عدالت اقتصادی را «گران فروشی و احتکار» به حساب می آورد و آن دو را خلاف عدالت می داند و به کارگزارانش توصیه می کند با آن دو مبارزه کنند.

امام در این باره می فرماید: بدان که در میان بازرگانان کسانی هستند که معاملات بد دارند و بخیل هستند و به خاطر سود دنبال احتکار هستند و کالا را به هر قیمتی که بخواهند، می فروشند و این سود جویی گران فروشانه زبانی برای همگان است و عیب بر حاکمان، پس از احتکار جلوگیری کن. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

## ۲. تبعیض در توزیع

از آنجا که قبلاً به مسأله توزیع پرداختیم در این بخش به صورت مختصر به بحث توزیع می پردازیم.

یکی مسائل مهم و حائز اهمیت در برقراری عدالت اقتصادی مسأله توزیع عادلانه و مبارزه با ویژه خواری است. چرا که تجلی حقیقی عدالت اقتصادی درست زمانی است که ثروت ملی یا خدمات ناشی از آن به دست مستحق برسد یا روند توزیع تا آخرین حلقه آن بر اساس عدالت محقق شود.

رهبر معظم انقلاب عدالت اجتماعی را یکی از لازمه های رونق اقتصادی می دانند و رونق اقتصادی کشور بدون تامین عدالت اجتماعی را به هیچ وجه قبول ندارند، بر خلاف برخی از کشورها که با وجود رشد اقتصادی بالا تبعیض، اختلاف طبقاتی و نبود عدالت در آن امری قابل مشاهده است ایشان در این راستا می فرمایند:

ما رونق اقتصادی کشور را بدون تامین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشور هایی هستند که شاخصه هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی دانیم. بنابراین یکی از مهم ترین شاخصه های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهرمنند بشوند. (۹۲/۱۲/۲۰ بیانات رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی)

باتوجه به فرمایشات ایشان که فرمودند بایدطبقات محروم از پشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهر مند شوند به این نتیجه می رسیم که برقراری عدالت اقتصادی متوقف بر نبود تبعیض در توزیع، مبارزه با ویژه خواری و برخورد قاطع با فریبگران اقتصادی است.

### ۳. ویژه خواری

یکی از موانع پیشرفت اقتصاد حکومت ها ویژه خواری و امتیاز جویی مدیران، حاکمان و اطرافیان آن هاست، آفتی که اشرافیت را زنده می کند و حکومت را به سمت استبداد و در نهایت سقوط می کشاند. تاریخ، ماجراهای زیادی از سقوط حکومت هایی که انحصار طلبی و ویژه خواری را مبنای حکومت خویش قرار داده بودند، به خاطر دارد. سقوط سلسله قدرتمند ساسانی یکی از این نمونه هاست.

امیرالمومنین علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه، مالک اشتر را از این کار به شدت بر حذر می دارد.

امام علیه السلام می فرماید:

يَاكَ وَالْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ؛

بپرهیز از آن که چیزی را به خود اختصاص دهی که بهره همه مردم در آن یکسان است.

### ۴. مدارا با فریبگران اقتصادی

با توجه به بیانیه گام دوم مدارا با فریبگران اقتصادی از جمله موانع پیشرفت اقتصاد جامعه است.

این مسأله به حدی اهمیت دارد که امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر، (که با صراحت می توان گفت: این عهدنامه دستوری جامع برای کشور داری است.) به آن پرداخته است.

امام علیه السلام در ابتدا می فرماید:

إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَبَطَانَةً فِيهِمْ أُسْتُنْتَارٌ وَتَطَاوُلٌ وَقَلَّةٌ إِنْصَافٍ فِي مَعَامَلَةٍ؛ زمامدار را خواص و نزدیکانی است که خوی برتر طلبی دارند، خود را بر دیگران مقدم سازند، به اموال مردم دست اندازی نمایند، و در معامله با مردم کمتر رعایت انصاف کنند.

آنچه امام علیه السلام به آن اشاره کرده یک واقعیت تلخ و گسترده تاریخی است که همواره دنیا پرستان و فرصت طلبان خود را به مراکز قدرت نزدیک می کنند و با اظهار اخلاص و فداکاری کامل به آن ها تقرب می جویند تا به وسیله آن ها بخش هایی از بیت المال در اختیار آنان و منسوبانشان قرار بگیرد و بر دوش مردم مظلوم سوار شوند و اموال و منافع آن ها را غارت کنند. امام به مالک اشتر هشدار می دهد که مراقب این گروه باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۹۹)

در ادامه امام علیه السلام دستور به برخورد قاطع و عدم مدارا با این اشخاص فریبگر می دهد.

ایشان می فرماید:



« فَاحْسِمِ مُؤْنَةَ مَادَّةٍ أَوْلَيْكَ بِقَطْعِ أَسْبَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ لِأَحَدٍ مِنْ حَاشِيَتِكَ وَحَامَتِكَ قَطِيعَةً وَ لَا يَطْمَعَنَّ مِنْكَ فِي اعْتِقَادِ عُقْدَةٍ تَضُرُّ بِمَنْ يَلِيهَا مِنَ النَّاسِ فِي شَرْبٍ أَوْ عَمَلٍ مُشْتَرَكٍ يَحْمِلُونَ مُؤْنَتَهُ عَلَى غَيْرِهِمْ فَيَكُونُ مَهْنًا ذَلِكَ لَهُمْ دُونَكَ وَ عَيْبُهُ عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. » ریشه ستمشان را با قطع وسائل آن بر کن و هرگز به هیچ یک از اطرافیان و هواداران خود زمینی از اراضی مسلمانان را وامگذار و نباید آنها طمع کنند که قراردادی به سود آنها منعقد سازی که موجب ضرر بر همجواران آن زمین باشد؛ خواه در آبیاری یا عمل مشترک دیگر. به گونه ای که هزینه های آن بر دیگران تحمیل کنند و در نتیجه سودش فقط برای آنها باشد و عیب و ننگش در دنیا و آخرت نصیب تو گردد.

امام علیه السلام در ادامه به نکته قابل توجه ای اشاره دارند که این همان چیزی است که امروز از آن به عنوان مقدم داشتن ضابطه بر رابطه تعبیر می شود و کاری است بسیار مشکل که انسان حق را بر پیوند های خویشاوندی و دوستان نزدیک و همکاران خود مقدم دارد و معاونان خود را در برابر حق به فراموشی بسپرد و اگر خواسته آنها بر خلاف حق است اجرای حق را بر خواسته آنها مقدم بدارد. همان چیزی که نمونه کاملش خود امام علیه السلام است و داستان او با برادرش عقیل معروف است. (همان، ص ۱۰۱)

ایشان در این رابطه می فرمایند :

« وَ أَلِزِمِ الْحَقَّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ وَ كُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَأَقْعًا ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ وَ [خَوَاصِكَ] خَاصَّتِكَ حَيْثُ وَقَعَ وَ ابْتِغِ عَاقِبَتَهُ بِمَا يَثْقُلُ عَلَيْكَ مِنْهُ فَإِنَّ مَغَبَّةَ ذَلِكَ مَحْمُودَةٌ وَ إِنْ ظَنَنْتِ الرَّعِيَّةُ بِكَ حَيْفًا » حق را درباره آنها که صاحب حق اند رعایت کن؛ چه از نزدیکان تو باشند یا غیر آنها و در این باره شکیباش و به حساب خدا بگذار هر چند این کار موجب فشار بر خویشاوندان و یاران نزدیک تو شود سنگینی این کار را بپذیر، زیرا سر انجامش پسندیده است موجبات این احوال را قطع کن و بدین وسیله ریشه این مردمان را برکن.

در نتیجه با توجه به مطالب فوق می توان نتیجه گرفت که مدار کردن با فریبگران و مفسدان اقتصادی یکی از موانع اقتصادی و موضوع خطیری است که با سهل انگاری و مسامحه کاری آن می تواند منجر به بی عدالتی، ضعف اقتصاد و در نهایت سقوط جامعه شود، بنابراین کارگزاران جامعه اسلامی باید تمام تلاش خود را برای از بین بردن آن به کارگیرند.

## نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد به این نتیجه می رسیم که:

عدالت در سه معنا به کار رفته است؛ «قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش» و «انصاف» و «مساوات». بنابراین هرگاه در اقتصاد هر چیزی سر جای خودش قرار بگیرد و انصاف و مساوات نسبت به همه رعایت شود عدالت اقتصادی تحقق پیدا کرده است. در بنیانه گام دوم مشروعیت نظام اسلامی بر عدالت اقتصادی متوقف شده است و آن را به عنوان مهم ترین هدف بعثت انبیاء دانسته و وظیفه حاکمان را تحقق عدالت معرفی نموده و از دیدگاه امام علی علیه السلام یکی از ویژگی های حاکم شایسته و ملاک ارزش یک حکومت عدالت است. به نظر ایشان در تحقق عدالت اقتصادی باید بین مردم تبعیض وجود نداشته باشد.

آن حضرت و مقام معظم رهبری به تبعیت از ایشان، پیشرفت اقتصادی جامعه را متوقف بر چند امر می دانند؛ «نبود فقر»، «تولید»، «توزیع عادلانه» و «دوری از اسراف»؛ همچنین دریانیه گام دوم با نگاه به نهج البلاغه عواملی که مانع پیشرفت اقتصاد خواهند شد عبارت اند از؛ «رشوه»، «کلاهبرداری»، «احتکار»، «تبعیض در توزیع»، «ویژه خواری» و «مدارا با فریبگران اقتصادی».

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. احمدی . علی اصغر(۱۳۹۱). عدالت اجتماعی در نهج البلاغه (چاپ اول). قم. انتشارات بوستان کتاب.
۴. اسلامپور کریمی، عسکر(۱۳۸۷). رشوه پدیده شوم اجتماعی. مجله علمی خبری مبلغان. ش ۱۰۹. ص ۷۷. آبان و آذر.
۵. بحرانی. کمال الدین میثم علی بن میثم(۱۳۹۰). شرح نهج البلاغه ابن میثم (چاپ چهارم). جلد پنجم. مشهد. انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۶. حبیب زاده . محمد جعفر(۱۳۷۷). مروری بر جرم کلاهبرداری در ایران، مجله دادرسی. ش ۸. ص ۲۴. خرداد و تیر.
۷. راغب اصفهانی . حسین (۱۳۸۴). مفردات الفاظ القرآن الکریم (چاپ پنجم). قم. انتشارات ذوی القربی.
۸. رستمی. محمد(۱۳۹۴). زندگی به سبک جهادی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه ای (چاپ ششم). قم. انتشارات شهید کاظمی..
۹. عمید . حسن(۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید (چاپ اول) تهران، انتشارات سکه.
۱۰. عیوضلو. حسین(۱۳۸۸). توزیع کارکردی نظریه ای در روش اسلامی توزیع درآمد بین عوامل تولید. ۱. مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام. ش ۳.
۱۱. محمدی نژاد. حسینعلی(۱۳۸۵). اسلام و مبارزه با مفسد اقتصادی (چاپ اول). تهران. انتشارات نخیل.
۱۲. مصباحی . غلامرضا. بررسی سیستم های اقتصادی . قم. انتشارات ناصر بی تا .
۱۳. معین. محمد(۱۳۸۱). فرهنگ فارسی دکتر محمد معین (چاپ سوم). تهران. انتشارات آندا.
۱۴. مکارم شیرازی. ناصر(۱۳۹۰). پیام امام امیرالمومنین علیه السلام (چاپ اول). جلد سیزدهم. قم. انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.